



## «حلقات»

### درس ۱۳۹

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی  
آموزشیاران: آقای مهدوی

آنچه در مباحث قبلی راجع به اجماع مطرح شد همگی در مورد اجماع بسیط بود . اکنون نوع دیگری از اجماع به نام اجماع مرکب، مطرح شده و میزان کاشفیت آن از دلیل شرعی مورد کاوش قرار می گیرد.

در کاشفیت اجماع مرکب از دلیل شرعی دو فرض اصلی وجود دارد که محور اصلی این درس به شمار می روند .

در موارد متعددی علما در استدلالات خود از اجماع مرکب مدد می جویند که این خود نشانگر اهمیت آشنایی با اجماع مرکب و کارکرد آن می باشد.

## الاجماع البسيط و المركب:

يقسّم الاجماع الى بسيط و مركب:

فالبسيط: هو الاتفاق على رأى فى المسألة.

و المركب: هو انقسام الفقهاء الى راين من مجموع ثلاثة وجوه او اكثر، فيعتبر نفى الوجه الثالث ثابتا بالاجماع المركب.

و ما تقدم من الكلام كلن الملحوظ فيه الاجماع البسيط، و اما المركب من الاجماع فان افترضنا ان كل فقيه من المجمعين يبنى

على نفى الوجه الثالث بصورة مستقلة عن تبنيه لرايه فهذا يرجع فى الحقيقة الى الاجماع البسيط على نفى الثالث . و ان افترضنا

ان نفى الوجه الثالث عند كل فقيه كان مرتبطا باثبات ما تبناه من رأى فهذا هو الاجماع المركب على نفى الثالث، و لا حجية

فيه؛ لان حجيته انما هى باعتبار كشفه الناشى من تجمع القيم الاحتمالية لعدم الخطأ، و فى المقام نعلم بالخطأ عند احد الفريقين

المتنازعين، فلا يمكن ان تدخل القيم الاحتمالية كلها فى تكوين الكشف للاجماع المركب ؛ لانها متعارضة فى نفسها، كما هو

واضح.

## اجماع بسیط و مرکب:

اجماع به دو گونه تقسیم می شود:

اجماع بسیط: هنگامی که در یک مسئله، تمامی فقها بر یک رای اتفاق نظر داشته باشند اجماع بسیط شکل گرفته است.

اجماع مرکب: هنگامی که در یک مسئله، فقها دو دسته شوند؛ دسته ای از علما یک قول را اختیار کنند و دسته دوم قول دیگری را، در این صورت اجماع مرکب شکل گرفته است.

مثال:

اگر تمام فقها فتوی به حرمت لحم إرنب (گوشت خرگوش) داده باشند، اجماع بسیط محقق شده است. اما اگر فقها دو گروه شوند و عده ای به حرمت و عده ای به کراهت لحم إرنب فتوا دهند، اجماع مرکب شکل می گیرد.

طرح سؤال:

با شکل گیری اجماع بسیط رای مجمع علیه ثابت می شود و بر کسی جایز نیست که قول دومی در مسئله ایجاد نماید. در اجماع مرکب از آنجا که علما به دو دسته تقسیم شده اند، شکی وجود ندارد که از طریق حساب احتمالات هیچ یک از این دو قول ثابت نمی باشد، زیرا این دو قول با هم متعارضند و در نتیجه قابل جمع نمی باشند. اما آیا از طریق اجماع مرکب، می توان امکان قائل شدن به قول سوم را نفی کرد؟

به عنوان مثال، هنگامی که علما در مورد گوشت خرگوش بر دو دسته باشند (حرمت و کراهت) و قول سوم قائل به اباحه لحم ارنب شود، آیا می توانیم از اجماع مرکب استفاده کرده و بگوئیم قول سوم قطعاً باطل است؟

پاسخ ( با توجه به انواع اجماع مرکب )

اجماع مرکب را به دو گونه می توان فرض کرد:

الف) فتوای هر یک از مجمعین ( که به دو دسته تقسیم شده بودند). شامل دو مطلب باشد. اول اینکه به شکل اثباتی قول آن فقیه را براساس دلیلی که نزد خودش دارد اثبات کند. دوم اینکه قول سوم در مسئله را براساس دلیل مجزایی که نزد خودش دارد نفی کند. بنابراین بر نفی قول سوم در مسئله، اجماع بسیطی وجود دارد که در امتداد اجماع مرکب شکل

گرفته است. در نتیجه قول سوم قطعاً باطل است و در شریعت وجود ندارد. بنابراین در مثال سابق بر نفی اباحه لحم  
إرنب، اجماع بسیط شکل گرفته است.

ب) فتوای هر یک از مجمعین فقط شامل موضع اثباتی باشد نه موضع سلبی.

بنابراین هر یک از مجمعین فقط یک دلیل اثباتی نزد خود، برای اثبات قول خودش دارد. اما برای نفی قول سوم به شکل  
مستقیم و صریح، تلاشی انجام نمی دهد.

**نکته:**

در این فرض، به صرف اینکه یک فقیه فتوا به یکی از دو قول موجود در مسئله می دهد به شکل التزامی قول سوم را نفی  
کرده است، هر چند به صورت مستقل قول سوم را نفی نکرده باشد. بنابراین در این جا مستقلاً اجماع بسیطی بر نفی قول  
سوم شکل نمی گیرد اما به شکل التزامی اجماع بسیط بر نفی قول سوم منعقد می شود. اما شهید صدر از این اجماع بسیط  
التزامی، که ناشی از اجماع مرکب بود، نفی حجیت می نماید و آن را غیر معتبر می داند.

**سؤال:**

چرا شهید صدر اجماع التزامی بر نفی قول سوم را فاقد حجیت و کاشفیت می داند؟

**جواب:**

اجماع از طریق حساب احتمالات کاشف از حکم شرعی می باشد. در اجماع مرکب فقها بر دو قول که با هم جمع نمی  
شوند اجتماع کرده اند.

دسته ای از این فقها قطعاً بر خطا هستند؛ زیرا هر دو قول با هم، نمی تواند در شریعت موجود باشد. بنابراین احتمال  
خطای گروهی از این فقها صد در صد می باشد. از طرف دیگر در محاسبه احتمال خطای مجموع فقها باید احتمالات  
خطای تک تک فقها را در هم ضرب کنیم و طبیعتاً به یک نتیجه ناچیز برسیم که ذهن بشر قادر به احتفاظ آن نمی باشد.

بنابراین زمانی که قول گروهی از علما ۱۰۰٪ اشتباه است عدد خطایشان  $\frac{1}{1}$  می باشد که هر چه ضرب شود هیچ

تغییری در نتیجه حاصل نمی شود. در نتیجه درصد احتمال خطای نیمی از مجمعین به هیچ وجه باعث کاهش احتمال  
خطای جمیع نمی شود. در نتیجه ما بالاجبار فقط با احتمال خطای نیم دیگر فقها کسرهایی را ترتیب می دهیم و در هم

ضرب می کنیم. در نتیجه در این ضرب، نیمی از کسرهای را از دست می دهیم و فتاوی فقها به شکل کامل نمی تواند در خدمت نفی وجه سوم در بیایند. زیرا نتیجه ضرب نیمی از کسرهای آنقدر کم نیست که ذهن بشر نتواند به احتفاظ آن پردازد و آن را کالعدم فرض کند.

بنابراین آن کاشفیت قطعی که قرار بود از طریق اجماع مرکب، نسبت به نفی قول سوم حاصل شود، به دست نمی آید.

**مثال:**

اگر تعداد کل فقها را ۱۰۰۰ نفر فرض کنیم که ۵۰۰ نفر از آنها به حرمت لحم ارنب و ۵۰۰ نفر به کراهت لحم ارنب فتوا داده اند، در این حال رای ۵۰۰ نفر از آنها ۱۰۰٪ باطل است که هر چه ضرب شود بی تاثیر است و باعث کاهش احتمال خطا نسبت به قول سوم (اباحه لحم ارنب) نمی شود.

بنابراین ما ناگزیریم فقط احتمال ۵۰۰ نفر باقی مانده (که فرض می کنیم هر کدام  $\frac{1}{2}$  است) را در هم ضرب کنیم.

در این حالت چون تعداد فقها (۵۰۰ نفر) در آن حد نیست که با ضرب این تعداد در هم به یک عدد ناچیز برسیم، اجماع مرکب نمی تواند مفید قطع به عدم وجه سوم باشد. اما اگر تعداد فقها ۱۰۰۰ نفر بود حاصل این ضرب عدد ناچیزی می شد.

**سؤال:**

چرا نمی توان کسرهای خطای هر دو گروه از فقها (همه ۱۰۰۰ نفر) را در هم ضرب کرد و به یک نتیجه ناچیز رسید تا به ابطال قول سوم یقین حاصل شود؟

**جواب:**

زیرا فقها به دو گروه (۵۰۰ نفری) تقسیم شدند که هر گروه در مجرای خاص خودش حرکت می نماید، بنابراین وقتی این دو احتمال خطا در یک مجرا و مصب واحد نبودند، نمی توان احتمال خطای این گروه را در کنار احتمال خطای آن گروه محاسبه نمود، زیرا یکی از این دو گروه ۱۰۰٪ به خطا رفته است.

## چکیده

۱. هنگامی که در یک مسئله فقها دو دسته شوند، عده ای قول اول و عده ای قول دوم را اختیار نمایند در این حالت

اجماع مرکب بر نفی قول سوم شکل گرفته است.

۲. با شکل گیری اجماع بسیط رای مجمع علیه ثابت می شود و بر کسی جایز نیست که قول دومی را در مسئله اختیار نماید.

۳. در اجماع مرکب یکی از دو دسته فقها، قطعاً به خطا رفته اند.

۴. هنگامی که فتوای هر یک از مجمعین شامل دو مطلب، یعنی وجه اثباتی نظر خودش و وجه نافی قول سوم باشد، در

این حالت بر نفی قول سوم، به شکل استقلالی اجماع بسیط شکل گرفته است که از اعتبار بالایی برخوردار است.

۵. در اجماع مرکب حتی اگر فتوای هر فقیه فقط وجه اثباتی داشته باشد، باز هم به شکل التزامی، اجماع بسیط بر نفی

قول سوم شکل می گیرد؛ اما شهید صدر این وجه را معتبر نمی داند.